



جدي ۱۳۸۵ دسمبر/جنوری ۶

شماره ۱

سال دوم

سرمقاله شماره ۱

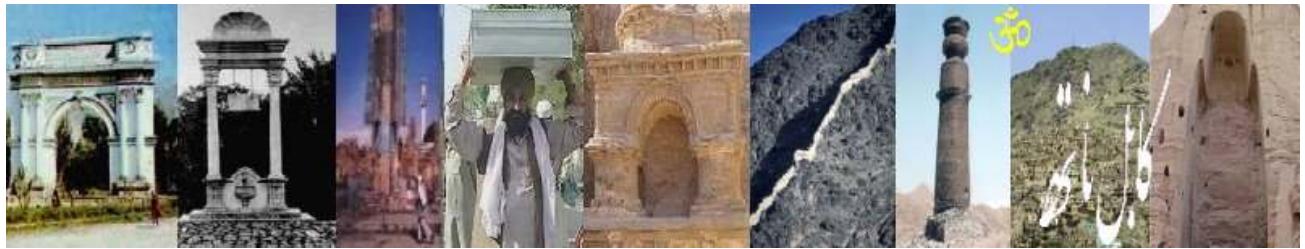
دکتر اکرم عثمان



افغانستان در منگله فار همسایه ها

در فرهنگ ما مثل و مقوله معنا داری وجود دارد که در زمان ما کاربرد خاصی دارد و آن اینکه مردم ما از دیرگاه از سرخوشواری می پنداشتند که خداوند متعال به « همسایه » چه در چارچوب کوچه و چه در چارچوب فرا کوچه حقوق و منزلتی عنایت کرده که بعد از حقوق خودش از جایگاه و منزلت فراوانی برخوردار است. شاید مفهوم درونی این مقوله نوعی مساهله و مدارا بین آدمها باشد که همزیستی و همدلی مسالمت آمیز بین شان را حرمت بگذارند و یکدیگر را تکه و پاره نکنند. ولی تجربه نشان داده که هیچ همسایه ای در هر سطح و موقعیتی، نه گوش به توصیه خداوند داده اند و نه بار مصلحتی آن مقوله را مدنظر داشته است.

در میدان عمل نیز، افغانستان، شکر پروردگار محروم و بی بهره ها از همسایه های خوشفر و خوش سخن نبوده است !!



سال دوم

شماره ۱

جدي ۱۳۸۵ دسمبر/جنوری ۶/۰۷/۲۰۰

اگر همسایه های شمالی (تاجکستان، ترکمنستان و ازبکستان) را بخاطر درجه نازل نفوذ و تاثیر شان بر افغانستان، عجالتاً نادیده بگیریم باید با اطمینان خاطر بگوئیم که در کفش آنها هم ریگ وجود دارد! و صرفاً به خاطر جبر و جفای تقدیر از بهشت برین به این دنیا ی پرآشوب رانده شده اند! آنها نیز دندانهای تیز دارند و خواب تشکیل امپراتوری را می بینند. اما همسایه های شرقی و غربی ما درین گفتمان - اگر بتوان آنرا گفتمان نامید - بهره مند از دستهای درازی میباشد.

از آنجا که در باره پاکستان سخن فراوان رفته است عجالتاً خوب و خراب رفتار آن همسایه مزاحم را به نوبت های دیگر می گذاریم. فعلأً به اقتضای گنجایش این مقاله یا یادداشت، مختصرأ به جنبه یی از مناسبات ما با ایران می پردازیم:

در این هیچ شبھه ای نیست که دو کشور ایران و افغانستان در گستره های تاریخ و جغرافیا اجزای مداخل در همدیگرند و یا به سخن دیگر از اجزای مورد منازعه یکدیگر تشکیل شده اند. از جانب دیگر بیان واقعیت های بالا، نه به معنای نفی کامل نورمهای حقوق بین الدول است. بلکه ما فراتر از روابط تاریخی و فرهنگی با ایران مناسبات سیاسی و حقوقی هم داریم که متکی بر ضابطه های مناسبات بین المللی میباشد.

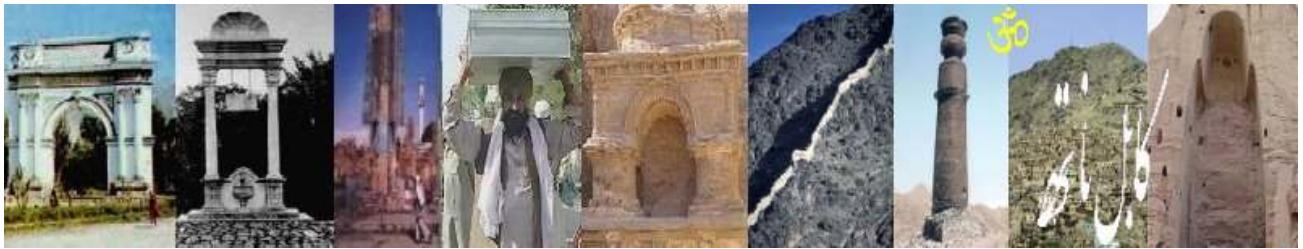
با تاسف فراوان حاکمیت موجود در ایران ار همسایگی با افغانستان تعبیری دیگری دارد. مسافرانی که از راه « سرحدداری اسلام قلعه » داخل کشور ما میشوند با شگفتی می بینند که سرحداری ایران چندین کیلومتر به داخل افغانستان لغزیده است - بی توجه به « پیله ها » و علایم مشخصی که از زمان « فخر الدین التائی » میانجی ترک، به منظور ثبت مرز های مملکتین نصب مشخص و برقرار شده بود.

گفته میشود که جمهوری اسلامی ایران به بهانه تاسیس بازارچه ای در « نقطه صفر! » یا حد فاصل سرحدات دوکشور، به چنین اقدامی دست یازیده است که با سکوت حکومت افغانستان مقابل شده است.

شکی نیست که چنین برخوردی از ضعف افغانستان مایه میگیرد. حکومت افغانستان که خود را در چنبره فشار همسایه های شرقی و غربی اش حس میکند خود را ناگزیر از چشم پوشی می بیند و قضیه را تلویجاً به فردا احالة می نماید.

شبھه ای نیست که وزارت خارجه ایران این دست اندازی را به اعتبار « یادداشت تقاهمی » جامه عمل پوشانده که حدود پانزده سال قبل بین یکی از مقامات وزارت خارجه افغانستان و یک مقام دون پایه ایرانی به امضاء رسیده بود.

آگاهان امور سیاسی واقنند که یادداشتھای تقاهم از هر سنج و ضیغه ای از گونه تقاهمات الزام آور در سطح قراردادهای دوجانبه و چند جانبه معتبر بین المللی نمی باشند. مخصوصاً اگر یادداشت تقاهم مهرتايد پارلمان های دو کشور را نداشته باشد بکلی فاقد اعتبار میباشد.



سال دوم

شماره ۱

جدي ۱۳۸۵ دسمبر/جنوری ۶/۰۷/۲۰۰

بعد ديگر قضيه اينكه باید پرسيد که جانب ايران در بدل چنان سوء رفتاري که منجر به تصرف حدود هفت کيلومتر از خاک وطن ما شده است، به افغانستان چه داده است؟ لبخند محبت آميز جانب اقای سيد محمد خاتمي رئيس جمهور سابق آن کشور را !؟ يا وعده وعيد جانب رفسنجاني را که در اعمال فشار بر افغانستان و زد و بند با بنیادگرهاي تمدن ستيز و کور و کر، و نيم افغان، نيم پاکستانی و نيم ايراني دوران جنگهاي داخلی، از هیچ مداخلتی دريغ نور زиде است.

سياست جمهوري اسلامي ايران در مورد افغانستان خبر از برپايي يك «کلونی فرنگي» ايران در داخل افغانستان و تاجكستان ميدهد.

اين شيوه هاي پيشامد، از چشم مردم افغانستان پوشیده نمي ماند و همان عواقبي را بدنيال خواهد داشت که بعد از برآمد صفویه، به ظهرور رسيد.

ما به پارلمان و دولت افغانستان توجه ميدهيم که جلو فاجعه را پيش از تيره شدن روابط بگيرند و از اجرای سياست هاي منفعل و مبهم بپرهيزند.

چه بهتر که بردران ايراني، ساز و برگ سرحداري شانرا به همان جايی بيرند که قبلآ قرار داشت. درين باب صدها مدرک معنبر وجود دارد که پرده از روی حقائق پوشیده تر برミگيرد و به ما هوشدار ميدهد که مواظب جدي بازی دوگانه همسایه ها باشيم.

به گفت عبدالرحمن پژواک:

هزار خم نکند مست می پرستان را

چنانکه ذره خاکی وطن پرستان را

سکندر است نه تهاکه زور ما دیده

هزار آئمه را اين غبار پوشیده